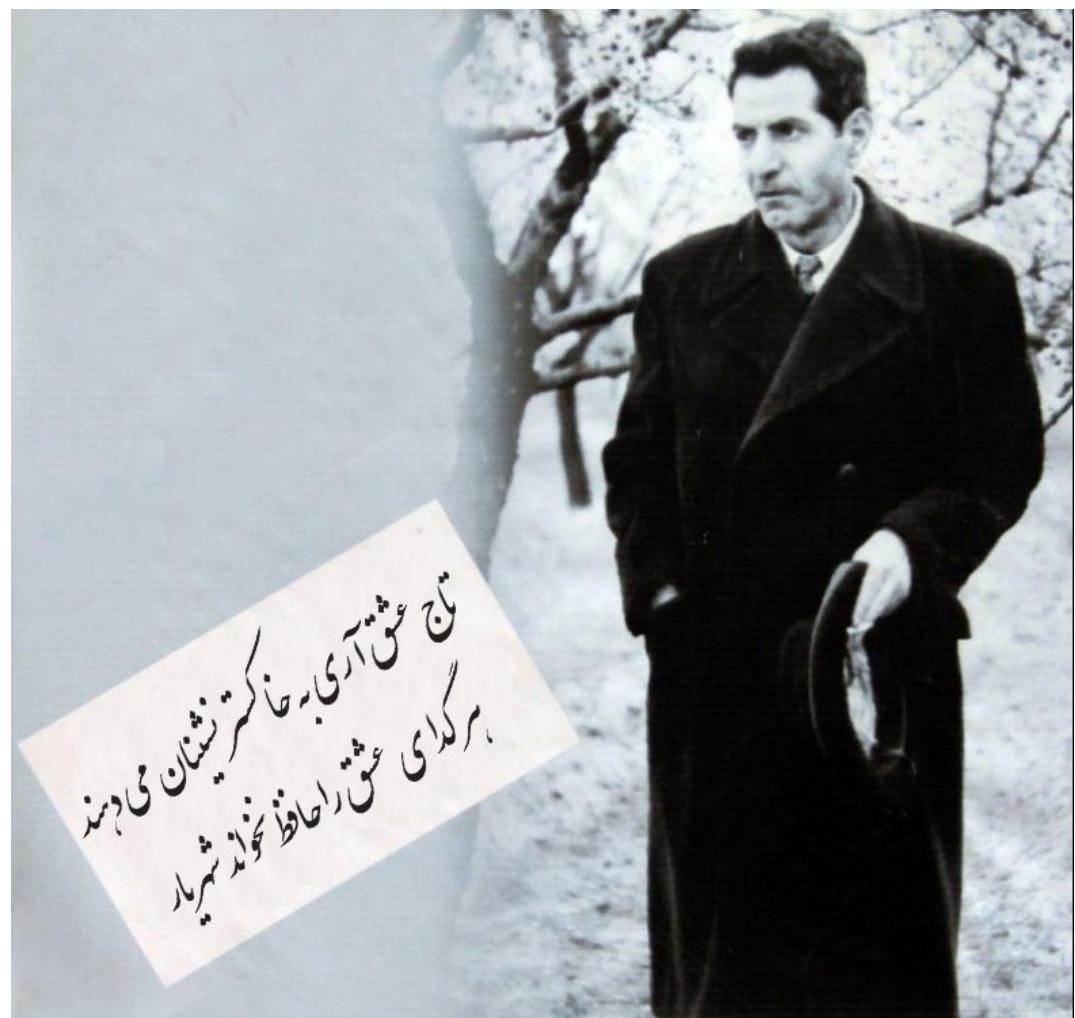


پنج بُتی که شهریار شکست+آخرین شعر

۲۳:۰ ۱۳۹۴ مهر ساعت ۱

شهریار، مردی که فقط ۶ ماه تا گرفتن مدرک پزشکی خود فاصله داشت، در نهایت به دلیل سوز عشقی زمینی ادامه تحصیلات در طبابت را رها کرد و به شاعری روی آورد، او که ۸۳ سال عمر کرد در طول زندگیش و به گفته خویش پنج بُت را شکست.

۲۷ شهریور مصادف با بیست و هفتین سالگرد وفات سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار است، مردی که شاعری را به پزشکی ترجیح داد و شعر «علی ای همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» به فارسی و «حیدر بابایه سلام» (به معنی سلام بر حیدر بابا) به زبان ترکی آذربایجانی اش چنان شهرتی گرفت که اگر شهریار پزشک حاذقی نیز می شد بعید به نظر می رسید هنر دستهایش در طبابت همچون کلام شعرش معروف می گردید.



شهریار در یکی از مصاحبه تلویزیونی خود از ۵ بُت در خود یاد کرده بود که طی سال‌های مدیدی توانسته بود از این بُت‌ها رها شود، او این بُت‌ها را اینگونه توصیف کرده بود: عشقی سوزناک و زمینی به مدت ۱۵ سال، مواد مخدر، صوفی گری و درویش مسلکی، تار زدن و رفاقت با برخی روشنفکران که در نهایت با روی آوردن به سوی عرفان واقعی و ناب اهل بیت (ع) توانسته بود جانی دیگر بگیرد.

بیوگرافی سراینده «علی ای همای رحمت»

سید محمدحسین بهجت تبریزی به سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. دوران طفولیت خود را در روستای مادری قایش قورشاق و روستای پدری خشکناب در بخش قره چمن آذربایجان ایران سپری کرد. پدرش حاج میر آقا خشکنابی نام داشت که در تبریز وکیل بود. پس از پایان سیکل اول متوسطه در تبریز در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل از تبریز به تهران رفت و در مدرسه دارالفنون (تا ۱۳۰۳) و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. حدود ۶ ماه پیش از گرفتن مدرک دکتری «به علل عشقی و ناراحتی خیال و پیش‌آمدگاهی دیگر» ترک تحصیل کرد.

پس از سفری چهارساله به خراسان برای کار در اداره ثبت اسناد مشهد و نیشابور، شهریار به تهران بازگشت و به سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. بعدها دانشگاه تبریز وی را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و عنوان استاد افتخاری دانشکده ادبیات تبریز را نیز به وی اعطا کرد.

آخرین شعر شهریار

یک غزل ناتمام، "مطلع و بیت دوم" از استاد
محمد حسین شهریار

تعقیب غزل از اکبر مدرسین "شیوا"

آخر چه شد که حلقه بر این در نمی زند
دیگر به بام خانه ما پر نمی زند

شهریار

ستگی از آن به شاخه بی برم نمی زند
دستی به کار مُضطر بی زرنمی زند
سر بر من فتاده به بستر نمی زند
بیر نگه به قلب مکدر نمی زند
چنگی چو من بدلگ معتبر نمی زند
مُردان ز پشت حریه و خنجر نمی زند
الدوده پیش مهر مُور نمی زند
دزدان رادره به قلندر نمی زند
بارب چه شد که خد به ستمگر نمی زند
کاندر حیات سر به هنرور نمی زند
آسوده باش حلقه به در گر نمی زند

یاران چرا به خانه ما سر نمی زند
دائم پرندۀ اند به هر بام و بر ولی

پنداشتند همچو درختی تکیده ام
چرخد نظام کار به دوران به سیم و زر
یا رب چه شد گروه طبیبان شهر ما
یاران چرا که لاله عذاران روزگار
دستی برم بزالف سمن ساکه عاشقان
بر مدعی بگو که سیزد ز رو به رو
با من مجنگ جان برادر که عاقلان
من رندم و قلندر و مفلس در این دیار
جور و ستم گرفته سراسر جهان ما
مردم دریغ مرده پرستند شهریار
شیوا ترا چه غم که نه یامست و نه دری

درخالدین طنوم شاعر معاصر هر اسانی بیرون دو بیت در میهن مشهون دارد که بسال ۱۳۲۰ در سننه ۵۱ سلیمان فرج، در مشهد چاپ شده است. تخلی از آنایی چشیده علیزاده

یاران چرا به کلبه ما سر نمی زند
بر گرد آشیانه ما پر نمی زند
اکنون چه دیده اند، که دیگر نمی زند
آنان که می زندند بیما لاف دوستی

شهریار پس از انقلاب، شعرهایی در مدح جمهوری اسلامی و مسئولان آن، از جمله حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب سرود.

شهریار در روزهای آخر عمر به دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد و پس از ۸۳ سال زندگی شاعرانه پربار و

پرافتخار در ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۷ به ملکوت اعلا پیوست، پس از مرگ در ۱۳۶۷، بنا به وصیت خود در مقبره‌الشعراء در تبریز دفن شد. شهریار دو دختر به نام‌های شهرزاد و مریم و یک پسر به نام هادی داشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۵۵۵/شعر-آخرین-شکست-شهریار-تی-پنج>